میزگرد «جوان» با حضور ۳ نفر از رزمندگان یگان ضدزره لشکر ۲۷ پیرامون شهید پالیزبان و تشکیل این یگان (بخش اول)

کار با موشک‌انداز میلان را از اسیر عراقی آموختیم!

شهید پالیزبان ۱۲ اسفند ۶۲ به شهادت رسید، او پایه‌گذار یگانی بود که تنها در عملیات بدر دهها تانک دشمن را منهدم کرد

■ علیرضا محمدی

روزی که با سه نفر از رزمنده‌های یگان ضدزره لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) دور یک میز نشستیم تا خاطرات این یگان در دفاع مقدس و خصوصاً نحوه تشکیل آن را مرور کنیم، درست در سالروز شهادت مصطفی پالیزبان، مؤسس و فرمانده واحد ضدزره لشکر ۲۷ قرار داشتیم. شهید پالیزبان جوان ۲۳ ساله‌ای بود که روز ۱۲ اسفند ماه ۱۳۶۲ در جریان عملیات خیبر به شهادت رسید. اما با مدیریت و اقداماتی که انجام داده بود، یگان قدرتمندی را از خود به یادگار گذاشته بود که در میان تمام لشکرهای عملیاتی سپاه، یک یگان منحصر به فرد به شمار می‌رفت. طوری که دیگر لشکرها در عملیات‌های مختلف از توانایی‌های این یگان در لشکر خود بهره می‌بردند. در میزگردی که به میزبانی یکی از رزمنده‌های این یگان مهیا شده بود، جانباز سید محسن خوشدل سادات حسینی (از اولین نفرات یگان ضدزره)، حاج علی‌اکبر مصداق فرمانده این یگان پس از شهید پالیزبان و مهدی کرمی از پیشکسوتان یگان ضدزره لشکر ۲۷ حضور داشتند. ماحصل گفت‌وگوهای مطرح شده را در دو بخش تقدیم حضورتان می‌کنیم.

حسن شهسواری

از سمت چپ: کرمی، مصداقی و خوشدل از پیشکسوتان یگان ضدزره

■ ■ ■

■ ابتکار شهید ناهیدی

عملیات رمضان که به اتمام می‌رسد، سردار شهید علیرضا ناهیدی فرمانده تیپ ادوات ذوالفقار از لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) طرح ایجاد یگانی را می‌دهد که در ابتدا به یگان موشکی تیپ ذوالفقار نامگذاری شد. ناهیدی معتقد بود که اگر طرف مقابل ما یک نیروی زرهی قدرتمند دارد، ما هم باید از یک یگان ضدزره قوی و تخصصی بهره ببریم. سیدمحسن خوشدل که جزو سه نفر اول این یگان است، می‌گوید: «شهید ناهیدی بعد از عملیات رمضان طرح تشکیل یگان ضد زره در ذیل گردان ادوات ذوالفقار را داد (آن زمان ذوالفقار گردان بود و بعدها تبدیل به تیپ شد) ناهیدی برای این منظور به آقای مسعود صالحی و شهید مصطفی پالیزبان مأموریت داد این یگان را تشکیل بدهند. ابتدا صالحی فرمانده یگان شد و پالیزبان معاونش بود، اما در اولین عملیاتی که یگان ضد زره به آن ورود کرد (عملیات مسلم بن عقیل) عملاً فرماندهی یگان به دست شهید پالیزبان افتاد و کمی بعد هم که مسعود صالحی به گردان آرپی‌جی‌زن‌ها رفت و شهید پالیزبان فرماندهی یگان ضدزره را برعهده گرفت.»

■ هدیه حافظ اسد

سیدمحسن خوشدل نفر سومی است که پس از صالحی و پالیزبان به این یگان می‌پیوندد. بعد که یگان خودش را برای عملیات مسلم بن عقیل آماده می‌کند، نفراتی مثل شهید مصطفی میرغفاری، مرحوم زمانی و برادر فتاحی به این یگان می‌پیوندند. خوشدل می‌گوید: «ابتدا فقط سه قبضه موشک‌انداز داشتیم. یک موشک‌انداز تاو که از زمان عملیات فتح‌المبین دست شهید سلیمانی (از شهدای عرفه) بود. یک موشک‌انداز میلان که در عملیات رمضان از دشمن غنیمت گرفته بودیم و یک موشک‌انداز مالیوتکا که زمان حضور تیپ ۲۷ در سوریه، حافظ اسد به محسن رضایی هدیه داد و آقا محسن هم آن را در اختیار تیپ ۲۷ قرار داد. با همین سه قبضه و سه نفر آدم، یگان ضد زره را تشکیل دادیم. تا قبل از مسلم بن عقیل چند نفر دیگر هم به ما پیوستند. در عملیات مسلم که بچه‌های یگان ۱۰۶ شهید و مجروح زیاد دادند، باقی مانده آنها مثل برادر بابا شمس، برادر زاهدی و چند نفر دیگر به یگان ضدزره آمدند و کم کم یگان ما سر و شکل منسجم‌تری گرفت.»

■ پالیزبان فرمانده قلب‌ها

مصطفی پالیزبان مؤسس و دومین فرمانده یگان ضدزره است. متولد سال ۱۳۳۹ در محله حسینی فردوس تهران، جوانی بود که در خدمت سربازی با حاج احمد متوسلیان و شهید ناهیدی در مریوان آشنا شده بود. مهدی کرمی می‌گوید: «شهید پالیزبان در مریوان با نفراتی مثل حاج احمد و شهید ناهیدی و... که بعدها تیپ ۲۷ را تشکیل می‌دهند آشنا می‌شود. بعد از اینکه خدمت سربازی پالیزبان به اتمام می‌رسد، تیپ ۲۷ هم در دوکوهه تشکیل شده بود. ایشان به عنوان بسیجی به تیپ می‌آید و نیروی گردان ادوات می‌شود. پالیزبان در دوره خدمت سربازی‌اش با موشک‌انداز تاو کار می‌کرد. لذا شهید ناهیدی او را مأمور تشکیل یگان ضد زره می‌کند.»

خوشدل ادامه می‌دهد: «بعد از اینکه یگان ضد زره را تشکیل دادیم، اوایل در مدرسه سعدی اهواز که به اردوگاه مبارزه معروف بود، استقرار داشتیم. آنجا شهید پالیزبان ماجرای حضورش در مریوان و آشنایی با حاج احمد متوسلیان و شهید ناهیدی را برایم تعریف کرد. از قرار ایشان در مریوان با تاو یک پاسگاه عراقی را می‌زند و از همان زمان تبحرش در موشک‌انداز تاو مورد توجه شهید ناهیدی قرار می‌گیرد.»

حاج‌علی‌اکبر مصداقی هم می‌گوید: «مصطفی اخلاق عجیبی داشت، آدم فوق‌العاده متین و آرامی بود. توجه زیادی به کادرپروری داشت. وقتی تصمیم گرفت مسئولیتی در یگان به من بدهد، سعی می‌کرد در موقعیت‌های مختلف من را محک بزند، در عملیات‌های مختلف هرجا که می‌رفت من را همراه خودش می‌برد تا قابلیت‌هایم را در شرایط عملیاتی بسنجد. هرچه از اخلاص شهید پالیزبان بگوییم کم گفته‌ایم. به لحاظ فردی یک آدم فوق‌العاده دوستداشتنی و اخلاقی بود و به لحاظ فرماندهی یک فرد زیرک، باهوش، توانمند و مبتکر بود که با اخلاق خوبش بر قلب نیروهایش فرماندهی می‌کرد.»

مصداقی ادامه می‌دهد: «یکی دیگر از خصوصیات شهید پالیزبان این بود که اگر چیزی در ذهن داشت، همان را عیناً طراحی می‌کرد. مثلا یک بار قرار شد جعبه‌های مالیوتکا را توسط قاطرها حمل کنیم. ایشان طرحی که قرار بود روی خورجین قاطرها سوار شود و مالیوتکا را روی آن بگذاریم عیناً طراحی کرد. بعد آن را به آقای کرمی داد تا تهیه کند. یا نفربر پنهارد را عیناً نقاشی کرد و اجزایش را طوری توضیح داد که نیروها به خوبی متوجه آن بشوند. یادم است دستنوشته‌ای از او داشتم به این مضمون که نیروی یگان ضد زره باید چه خصوصیاتی داشته باشد؛ باید از نظر جسمی قوی، از لحاظ بینایی تیزبین و از لحاظ روحیه شجاع و نترس باشد.»

■ ۱۰ موشک، ۹ تانک

مصداقی با تعریف خاطره‌ای از همراهی‌اش با شهید پالیزبان در عملیات والفجر ۳ می‌گوید: «لشکر ۲۷ در عملیات والفجر ۳ حضور نداشت، اما چون آوازه یگان ضد زره لشکر به دیگر تیپ‌ها و لشکرها رسیده بود، از ما خواستند به کمک یگان‌های حاضر در عملیات والفجر ۳ در منطقه مهران برویم. در آنجا من همراه شهید پالیزبان بودم. ایشان در کار با موشک‌انداز تاو مهارت بسیاری داشت. اگر بگوییم حضور پالیزبان در والفجر ۳ باعث شد تا یگان‌های خودی توسط دشمن دور نخورند و قیچی نشوند، پربیراه نگفته‌ایم. ایشان در خلال عملیات با ۱۰ موشکی که در اختیار داشت، ۹ تانک دشمن را زد. آن یک موشکی هم که به هدف نخورد به خاطر خرابی موشک بود.»

مصداقی ادامه می‌دهد: «در والفجر ۳ تانک‌های دشمن جولان می‌دادند و فکرش را نمی‌کردند که ما بتوانیم از فاصله ۶۰۰ الی ۷۰۰ متری آنها را بزنیم. ولی پالیزبان رفت و ۹ تانک دشمن را زد. برای اینکه من را محک بزند، تمام مدت کنار دستش بودم. حتی خواست که با تاو شلیک کنم، ولی گفتم تا شما هستید من دست به تاو نمی‌زنم. گلوله هم که محدود داریم. خلاصه ایشان تانک‌ها را زد. در همین اثنا یک نفربر زرهی دشمن جولان می‌داد و این طرف و آن طرف می‌رفت. گفتم مصطفی چرا آن را نمی‌زنی. گفت حیف موشک تاو است که با آن نفربر بزنیم من فقط تانک می‌زنم. گفتم حتماً داخل نفربر فرمانده دشمن است که اینطور مانور می‌دهد. خواست نفربر را بزند که متأسفانه موشک خراب بود و ۱۰۰ متر آن طرف‌تر به زمین خورد. اما همین ۹ تانکی که زد باعث شد باقی تانک‌های دشمن عقب‌نشینی کنند و خط خودی سقوط نکند.»

■ تازه‌داماد شهید

شهید مصطفی پالیزبان چند روز پیش از شهادت عقد کرده بود و در واقع به عنوان یک تازه‌داماد قدم در میدان خیبر می‌گذارد. سید محسن خوشدل می‌گوید: «چند روز قبل از شروع عملیات خیبر من در تهران بودم. مصطفی هم در تهران بود. قبل از اینکه به منطقه برگردم، به خانه‌شان رفتم تا سری به او بزنم. مشغول حرف زدن بودیم که یک دیس شیرینی جلویم گذاشت. تعجب کردم و گفتم مناسبتش چیست؟ گفت تازه عقد کرده‌ام. خوشحال شدم و بعد برایم میوه آورد. چند روز بعد هم که به منطقه رفتیم و با ورود به عملیات خیبر، پالیزبان روز ۱۲ اسفند ماه ۱۳۶۲ به شهادت رسید.»

مهدی کرمی در بیان خاطره‌ای از شهید پالیزبان می‌گوید: «من و مصطفی همسن بودیم. ولی طی حضورم در یگان ضدزره، چیزهای از او آموختم که تا عمر دارم فراموش نمی‌کنم. در یک مقطعی ایشان یک برادری را مسئول کرده بود تا باقی نیروها را به صبحگاه ببرد و برگرداند. آن برادر که شاید دچار حب نفس شده بود، برخورد مناسبی با بچه‌ها نداشت. من رفتم پیش شهید پالیزبان و گفتم: این بنده خدا را که مسئول رفت و آمد نیروها کرده‌ای رفتار خوبی ندارد و بچه‌ها از او شاکی هستند. در جوابم گفت: اگر همین حرف‌ها را به خودش می‌گفتی بهتر نبود؟ شاید اگر مستقیم پیش خودش می‌رفتی و او را متوجه اشتباهش می‌کردی، دیگر نیازی نبود که پیش من بیایی و گلایه‌اش را با من طرح کنی.»

> ابتدا فقط سه قبضه موشک‌انداز داشتیم. یک موشک‌انداز تاو که از زمان عملیات فتح‌المبین دست شهید سلیمانی (از شهدای عرفه) بود. یک موشک‌انداز میلان که در عملیات رمضان از دشمن غنیمت گرفته بودیم و یک موشک‌انداز مالیوتکا که زمان حضور تیپ ۲۷ در سوریه، حافظ اسد به محسن رضایی هدیه داد و آقا محسن هم آن را در اختیار تیپ ۲۷ قرار داد

■ آموزش توسط اسیر عراقی

صحبت از شهید پالیزبان مسیر گفت‌وگو را تغییر می‌دهد. جانباز محسن خوشدل دوباره رشته صحبت را به دست می‌گیرد و از اولین‌های یگان ضد زره می‌گوید. بعد از تشکیل یگان ضد زره، شهید پالیزبان سه نفر از نیروهایش از جمله محسن خوشدل و شهید میرغفاری را برای آموزش مالیوتکا به مقر انرژی اتمی فرستاد. خوشدل می‌گوید: «در انرژی اتمی ما با دستگاه سیمیلاتور که شبیه‌ساز شلیک با مالیوتکا بود، آموزش‌های مقدماتی دیدیم. همان موقع گفتند یکی از اسرای عملیات رمضان که درست کنار مدرسه سعدی نگهداری می‌شدند، در موشک‌انداز میلان تبحر دارد. سریع من و شهید پالیزبان پیش این اسیر رفتیم و از او خواستیم کار با میلان را به ما آموزش بدهد. عرض کردم که یک قبضه میلان در عملیات رمضان غنیمت گرفته بودیم. خلاصه رفتیم و اسیر عراقی آموزش‌های مقدماتی مثل چکاندن ماشه و استفاده از دوربین و این چیزها را به ما یاد داد. کل حرف‌هایمان با اسیر عراقی به دو ساعت نرسید. همین دو ساعت شد تمام آموزش ما در مورد موشک‌انداز میلان!»

در جریان عملیات مسلم بن عقیل، یگان ضد زره لشکر ۲۷ اولین تانک‌ها را شکار می‌کند. در جریان همین عملیات، رزمندگان گردان‌های پیاده لشکر، پنج قبضه موشک‌انداز میلان به غنیمت می‌گیرند، ولی آنها را تحویل پالیزبان که فرمانده یگان ضد زره بود، نمی‌دهند! خوشدل می‌گوید: «بچه‌های گردان پیاده فکر می‌کردند چیزهایی که به غنیمت گرفته‌اند، دوربین فیلمبرداری هستند! من و شهید پالیزبان هرچه به آنها می‌گفتیم اینها موشک‌انداز هستند، باور نمی‌کردند. آخر سر پیش شهید رضا چراغی که در آن مقطع فرمانده لشکر شده بود (حاج همت موقتاً فرمانده قرارگاه شده بود) رفتیم و به ایشان توضیح دادیم. حاج رضا هم دستور کتبی به فرمانده گردان‌های پیاده داد و آنها هم موشک‌اندازها را به ما تحویل دادند.»

■ اولین موشک، اولین تانک

با پنج موشک‌انداز غنیمتی میلان، یگان ضد زره جان تازه‌ای می‌گیرد. شهید پالیزبان هر کدام از این موشک‌اندازها را به یک تیم می‌دهد. محسن خوشدل که برای اولین بار در شرایط عملیاتی می‌خواست اولین شلیک واقعی خود را با موشک‌انداز میلان انجام بدهد، با آموزش‌هایی که توسط اسیر عراقی دیده بود، با اولین شلیک، اولین تانک را می‌زند.

یگان ضدزره پیش از مسلم بن عقیل خوشدل نفر اول از چپ و شهید پالیزبان نفر پنجم

وی می‌گوید: «وقتی به خط مقدم درگیری رفتم، دیدم تانک‌های دشمن مرتب روی خط ما آتش می‌ریزند و بچه‌ها کاری از دستشان برنمی‌آید. به افسر ارتشی که آنجا بود گفتم چرا تانک‌ها را نمی‌زنید، گفت: اولاً از ما دور هستند و برد آرپی‌جی‌ها به آنها نمی‌رسد، در ثانی وقتی که توپ ۱۰۶ را بالای خاکریز می‌بریم، تا سر لوله پیدا می‌شود آن را منهدم می‌کنند. من موشک‌انداز میلان را آماده کردم و روی خاکریز گذاشتم. میلان کوچک است و دشمن به راحتی نمی‌توانست آن را ببیند. با آموزش‌هایی که توسط اسیر عراقی دیده بودم، اولین شلیکم را انجام داد و موشک درست به هدف خورد و تانک دشمن منهدم شد. وقتی اولین تانکم را زدم، پیش شهید پالیزبان رفتم و گفتم که با میلان شلیک کرده‌ام. اول ناراحت شد و گفت تو که تازه یادگرفته‌ای با میلان کار کنی. چرا شلیک کردی؟ بعد که فهمید گلوله‌ام به هدف خورده خیلی خوشحال شد.» خوشدل ادامه می‌دهد: «پالیزبان آدم فوق‌العاده شجاعی بود. در همان عملیات مسلم با هم روی یکی از تپه‌ها رفتیم. آن طرف یک تانک عراقی فقط لوله و کمی از کلاهکش از خاکریز نمایان بود. پالیزبان روی سکو رفت و تانک را نشانه گرفت، وقتی شلیک کرد، همزمان تانک هم به سمت او شلیک کرد. آتش تهیه تانک به وضوح دیده شد. در این مواقع، هر کس دیگری جای پالیزبان بود از ترس اینکه گلوله تانک به او بخورد، دوربین را می‌انداخت و فرار می‌کرد. بارها در میادین مختلف دیدم که چطور کار بر موشک با دیدن آتش تانک پا به فرار می‌گذارد، اما پالیزبان این کار را نکرد. موشک‌اندازهای تاو، مالیوتکا، میلان و... همگی با سیم کنترل می‌شوند. تا وقتی که موشک به هدف نخورده شما باید با دوربین مخصوصی که در اختیار دارید، علامت بعلاوه را روی هدف نگه دارید تا موشک شلیک شده هدایت شود و به هدف بخورد. پالیزبان در آن لحظه با وجود اینکه تانک هم به طرفش شلیک کرده بود، هدایت موشک را رها نکرد. گلوله تانک به زیر تپه‌ای که او رویش ایستاده بود خورد و دود و گرد و خاک بلند شد. گرد و خاک که خوابید، موشک پالیزبان هنوز به هدف نخورده بود. مصطفی تا آخرین لحظه دوربین را نگه داشت تا اینکه موشک به تانک خورد و کلاهش روی هوا رفت. وقتی که از بلندی پایین آمد، گفت: سید مرگ را جلوی چشم‌هایم دیدم.»

شهید مصطفی پالیزبان مؤسس یگان ضدزره لشکر ۲۷

■ عملیات خیبر

بعد از عملیات مسلم بن عقیل، یگان ضد زره لشکر ۲۷ با پیوستن چند نیروی دیگر، جان تازه‌ای می‌گیرد. حالا دیگر با انهدام چند تانک دشمن توسط نیروهای این یگان، فرماندهان نسبت به عملکرد یگان ضد زره بیش از پیش واقف می‌شوند. بعد از حضور لشکر ۲۷ در دو عملیات بزرگ والفجر مقدماتی و والفجر یک، نوبت به عملیات والفجر ۳ می‌رسد. در این عملیات لشکر ۲۷ حضور نداشت اما فرماندهان از یگان ضد زره لشکر ۲۷ درخواست می‌کنند که به کمک سایر یگان‌های حاضر در والفجر ۳ برود. سپس عملیات خیبر آغاز می‌شود. خیبر آوردگاه سختی برای یگان ضد زره بود. در این عملیات علاوه بر شهادت مصطفی پالیزبان فرمانده یگان، تعداد قابل توجهی از نیروهای یگان ضد زره به شهادت می‌رسند.

ادامه دارد...

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۱۶۴

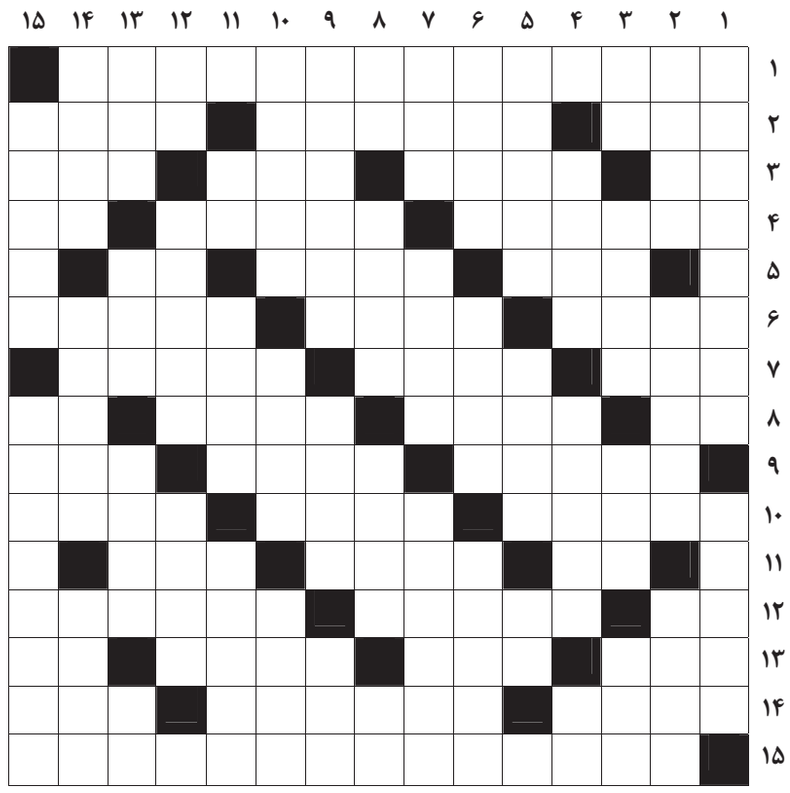

از راست به چپ

■ ۱- اثری از زنده‌یاد جلال آل احمد ■ ۲- نخستین سلسله ایرانی- نوعی نان- رب‌النوع جنگ ■ ۳- حرص و طمع- گدایی- نوعی حکم قضایی- مسیر ■ ۴- دریچه‌ای بین بطن و دهلیز چپ قلب- قسم- دویدن ۵- از اصول دین- هم‌بازی هاردی- صدای پشه ■ ۶- مسجدی در بیت المقدس- ظل- میزان مجاز زیربنا ■ ۷- نزدیکی- همراه دارا- خوشامدگویی ■ ۸- همسایه تهران- رنگ خاکستری با ته رنگ آبی- کشور امان- علامت بیماری ■ ۹- گردنه بین اردبیل و آستارا- مسجد قدیمی تبریز- گراز ■ ۱۰- از اسامی آقایان- سیم و کابل- از معضلات اقتصاد ما ■ ۱۱- دشمن سخت – شهری در سیستان و بلوچستان- قدم ■ ۱۲- راندن مزاحم- روزگاران- شفاف و شیشه‌ای ■ ۱۳- یکای سرعت هواپیما- راه تغذیه جنین- سلام- علامت مصدر جعلی ■ ۱۴- گل خشک شده- امضا- کشتی جنگی ■ ۱۵- از شهدای هسته‌ای

از بالا به پایین

■ ۱- هفتمین معصوم ملقب به شکافنده علوم- سیاهی چشم ■ ۲- کاشف الکل- ذوق و طبع- بیوه ■ ۳- همراه خورد- حمیت و غیرت- سال آذری- برگ درخت خرما ■ ۴- ظرافت، نازکی- نماز انفرادی- اثر قلم ■ ۵- دشواری و خرده‌گیری- گردنده- همراه مرد ■ ۶- عاشق- تالار- شهری در عراق ■ ۷- رفیق مشهدی- پول گرجستان- وضعیت سخت و دشوار ■ ۸- توانایی درک و تشخیص- تیم فوتبالی در اسپانیا- ظرف گدایی- تحت ناتمام ■ ۹- گیاهی دارویی که در معالجهٔ آسم، تنگی‌نفس، تشنج و رماتیسم به کار می‌رود – شهری نزدیک قزوین- نوعی بستنی ■ ۱۰- سدی در گلستان- قتل سیاسی- جاده فرودگاه ■ ۱۱- خودم- فراوانی- رنگ مرجانی ■ ۱۲- سرمای سخت- از خلبان شهید و شجاع ارتش- آبله سوختگی ■ ۱۳- درخت قالی- لاغر- تمدنی در بین النهرین- جدید ■ ۱۴- پایتخت شاهرخ تیموری- پستانداری گوشت‌خوار شبیه سگ – آرام خودمانی ■ ۱۵- از پرش‌ها در دوومیدانی- ورزشی با توپ پردار تمدن باستانی میان رودان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸					۷			۱
۶				۵				۷
۹								۸
			۳		۸		۶	
		۷					۱	
		۲	۹				۵	
	۵			۲	۶			
						۴		
۲	۱				۹	۳		

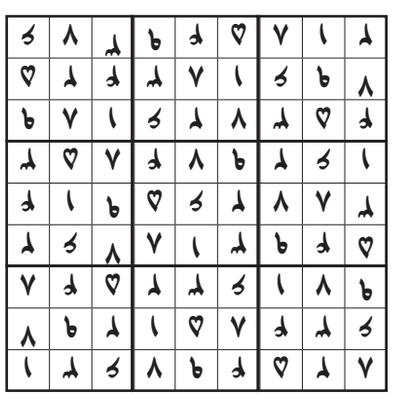

جدول کلمات متقاطع
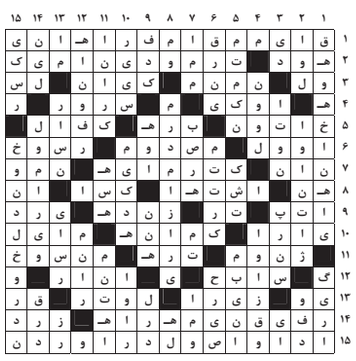
پاسخ جدول شماره ۶۱۶۳